گفت‌وگو

نباید با شانتاژ سیاسی و رسانه‌ای، دولت پزشکیان را وارد فضای جنگ با اسرائیل کرد

ادامه از صفحه ۳

از شرق کشور و حضور کوره‌هایی مانند جیش‌العدل گرفته تا غرب کشور و کردستان و حضور کوره‌هایی مانند کومله و دموکرات تا استان خوزستان و مناطق عرب‌نشین که جریان‌های تجزیه‌طلب همواره به دنبال تنش، درگیری، نفوذ و جاسوسی بوده و کمائان هستند. همه این جریان‌ها اکنون در کشورهایی مانند سوئد، نروژ، بلژیک، هلند، دانمارک و... مستقر هستند و حمایت می‌شوند. اینها علاوه بر دیگر کوره‌های تروریستی مانند منافقین (سازمان مجاهدین خلق) است که آنها هم به دنبال جاسوسی و نفوذ هستند. پس شما می‌بینید که واقعا دستگاه‌های اطلاعاتی ما از وزارت اطلاعات تا اطلاعات سپاه به‌تمهایی باید با چه حجم عظیمی از بازیکران رقابت کنند و چه رقابت ناعادلانه‌ای هم در جریان است. از طرف دیگر اگر صرفا به موضوع نفوذ موساد در ایران تمرکز کنیم، موضوع را باید درست دید.

چطور؟

به باور من یکی از اهداف و دستور کارهای مشترک تمام سرویس‌های جاسوسی مهم دنیا ارائه خدمات و در اختیار قراردادن اطلاعات خود به موساد است تا بتوانند دست برتر را داشته باشند. مضافا تمام دستگاه‌های اطلاعاتی که در مقابل ایران قرار دارند و شمار آنها از صد کشور عبور می‌کند، به دنبال کمادن نفوذی و جاسوس در لایه‌های امنیتی و اطلاعاتی کشور هستند. حالا شما تصور کنید که اطلاعات سپاه و وزارت اطلاعات با چه حجمی از ترور، جاسوسی، خرابکاری، تجزیه‌طلبی، اقدام مسلحانه، بمب‌گذاری، اقدام علیه امنیت ملی و... مواجه است.

البته این سکه روی دیگر هم دارد، درست است که اکنون موضوع نفوذ موساد در لایه‌های امنیتی کشور مطرح است. اما ما هم نفوذ اطلاعاتی و امنیتی در اسرائیل داریم. کمالینکه در مواردی که فاش شد، دیدیم که نفوذ اطلاعاتی ایران تا منزل شخصی وزرای کابینه اسرائیل پیش رفته است. مثلا در یک مورد ما از وزیر انرژی اسرائیل اطلاعات کافی به دست آوردیم. در مورد دیگر به دنبال استخراج اطلاعات از بنتاگون بودیم. ببینید نفوذ ما تا کجا پیش رفته است که حتی خود آمریکایی‌ها معترف‌اند جمهوری اسلامی ایران به دنبال تاثیرگذاری بر انتخابات ریاست‌جمهوری ایالات متحده است. بسیاری از مواردِ دیگر وجود دارد که ذکرکردنی نیست و نمی‌توان آن را در گفت‌وگو با شما اعلام کرد. این اطلاعات نشان می‌دهد که ایران هم نفوذ اطلاعاتی و امنیتی خوبی را در اسرائیل و دیگر جاها دارد و قرار نیست که آن را علنی کنیم. اما در کل کفته‌های من پیرو سؤال شما به معنای نادیده‌گرفتن خطر نفوذ موساد در ایران نیست و حتی یک مورد ترور مانند ترور اسماعیل هنیه هم زیاد است و باید جلوی این نفوذ گرفته شود. به هر حال این مسئله نفوذ و نفوذی برای ما تازگی ندارد. از همان سال‌های ابتدایی انقلاب بحث نفوذی‌ها در دستگاه‌های اطلاعاتی و امنیتی وجود دارد. نمونه بارز آن مسعود کشمیری است که انفجار در دفتر نخست‌وزیری را رقم زد یا محمدرضا کلاهی که دفتر حزب جمهوری اسلامی را منفجر کرد و این مسئله کمائان در طول این سال‌ها به تناوب وجود داشته و خواهد داشت.

پس به باور شما اکنون جای نفذ و آسیب‌شناسی وجود ندارد؟

نه. منظور من این نیست که نفذی نشود. اما من معتقدم اکنون این میزان از انتقاد یا حمله به دستگاه‌های اطلاعاتی و امنیتی و دامن‌زدن به مسئله نفوذ در ایران از سوی موساد، پیوست همان ترور اسماعیل هنیه در تهران است که از طرف رسانه‌های معاند و همچنین منافقین در حال نشر و بازنشر است. باید افکار عمومی رسانه‌ها هوشیار باشند و از دامن‌زدن به ناامنی روانی جلوگیری کنیم.

اکنون سؤال مهم‌تر نظرِ به واکنش تهران است. آیا به باور شما باسخ تهران می‌تواند ما را از «منطقه خاکستری» تنش با اسرائیل وارد «منطقه قرمز» و جنگ تمام‌عیار کند؟

من در همان مصاحبه پیشین با شما و روزنامه «شرق» گفتم که تهران باید هوشمندی لازم را داشته باشد تا از مسئله ترور اسماعیل هنیه استفاده اینجاست که اسرائیل در حال ایران و همزمان با مسام تحلیف نیکیان، رئیس دفتر سیاسی حماس را ترور کرده است و این متفاوت از حمله به ساختمان کنسولگری در سوریه بود. بنابراین ما باید یک واکنش «هموزن» نشان بدهیم.

و این واکنش هموزن از نگاه شما به چه معناست؟

ببینید. چون اکنون شما همراهی حمایت و همکاری نظامی، اطلاعاتی و امنیتی کشورهای غربی و به‌ویژه آمریکا از اسرائیل هستیم. باید واکنش هموزن ایران این بار با رعایت «اصل غافلگیری» همراه باشد. اما باید بپذیریم که این مسائل شما یک مسائل کاملا تخصصی است که باید میان نظام و مقامات اطلاعاتی، نظامی، دفاعی و امنیتی وجود دخوز و نفعو و شدت و وسعت آن باید بدهد. اما در این زمینه باید وضعیت منطقه و همچنین ارتباط‌گیری با کشورهای بیرامونی و درگیر را هم در نظر گرفت بنابراین من معتقدم که نباید دیراه حوزه شدت، کسترگی، نوع و میزان حمله واکنش ایران به اسرائیل شکل و سیاتانی را جریانات اسرائیل با هیجان و شعار دست به موضع‌گیری بزنند تا از این طریق بخواهند به دولت پزشکیان که در آغاز به کار خود قرار دارد، فشاری وارد کنند. چون قطعا این دست فشارها باعث ایجاد چندسنگی و فضای دوقطبی یا چندقطبی و تشدید اختلافات داخلی در آغاز به کار دولت خواهد شد و این کار در ادامه می‌تواند امنیت روانی و وحدت ملی را تهدید کند. این در حالی است که دولت آقای پزشکیان با شعار وفاق ملی و وحدت با همه جریان‌ها و گروه‌ها روی کار آمده است. پس باید به سران نظام و همچنین به دولت آقای پزشکیان در این زمینه اطمینان کنیم و همه جیز را به آنها بسپاریم. نباید با فضاسازی رسانه‌ای و شانتاژ سیاسی برای پزشکیان رکیداری کنیم. نباید با شعار برای آقای پزشکیان، شورای‌عالی امنیت ملی و نهادهای نظامی و اطلاعاتی امنیتی دستور کار تعریف کنیم و آنها را به سمت جنگ، تنش و نظائر آن تشویق کنیم. ما باید کار را به آنها بسپاریم. آنها بهتر از ما به زوایای امر و جزئیات اشراف دارند و بهتر می‌توانند تصمیم بگیرند. واقعا این کاری نیست که مربوط به کارشناسان، تحلیلگران و ناظران این حوزه باشد. باید خود مقامات که به این موضوع ورود مستقیم دارند و به آن اشراف کافی هم دارند، کار را به دست بگیرند. اینجاست که باید از اظهارنظرهای غیراصولی و سیاسی که ضد امنیت ملی و ضد منافع ملی است، پرهیز کرد. اینجا باید خود آقای دکتر پزشکیان و دیگر مقامات ذی‌ربط ابعاد قضایا را به‌خوبی بررسی کنند تا یک واکنش درست و باسخ متقابل به اسرائیل تبیین شود. کمالینکه در موضوع حمله اسرائیل به ساختمان کنسولگری ایران در سوریه یک باسخ متقابل اجرائی شد و عملا بازدارندگی تهران به موازات عدم وقوع حتی گسترده و مستقیم با اسرائیل پی گرفته شد.

اگر معتقدید باسخ قطعی تهران بازدارنده بود، چرا این بار اسرائیل با افراط‌گرائاست و در قلب تهران، رئیس دفترسیاسی حماس را همزمان با مراسم تحلیف پزشکیان ترور کرد؟ آیا این نشان نمی‌دهد که بازدارندگی لازم‌ترخ نداده است؟

اولا که چیزی درباره افراط‌گرائی اسائیل نیست. اما استاتوس جریان‌های تندرو، راهبرد و سیاست اسرائیل در همه مقاطع است. دوم اینکه بازدارندگی به معنای نگرانشدن آن اتفاق نیست. شما تصور کنید که اگر ما حمله کسترده و مستقیم موشکی و پهپادی از خاک ایران به سرزمین‌های اشغالی نداشتیم، مطمئن باشید تا نتیجه ما ور سرزمین صهیونیست به ترور اسماعیل هنیه اکتفا نمی‌کردند. البته همزمان یک نگاه و تحلیل خطرناک دیگر وجود دارد که می‌گوید «نباید ایران وارد تقابل با اسرائیل شود». این نگاه هم از آن نظر خطرناک است که باعث از دست رفتن توازن قوا و همچنین توازن تهدید خواهد شد. به هر حال فراموش نکنیم که اسرائیل حتی پیش از شکل‌گیری رژیم صهیونیستی به طولانی در تروز و حذف دارد. این رژیم حتی به کسانی که به دنبال تعامل با آنها بوده است، رحم نکرد. کمالینکه با سر غرفات را با وجود صلح کحب دیود، اسلو- با ترور بیولوژیکی حذف کرد و حتی احاق زیبر را هم به دست افراطی‌های صهیونیست تروردند. یعنی اینها به خودشان هم رحم نمی‌کنند.

راهبرد

بررسی ابعاد ترور هنیه در گفت‌وگوی «شرق» با علی ماجدی

تهران به موازات حق پاسخ‌گویی باید سیاست تنش‌زدایی را نیز پیش ببرد

به واسطه ترور رئیس دفتر سیاسی حماس نباید دولت پزشکیان خود را درگیر سیاست ایران‌هراسی اسرائیل کند

پس از ترور اسماعیل هنیه، رئیس دفتر سیاسی حماس، بسیاری از کارشناسان و ناظران معتقدند «زمان» و «مکان» این ترور از سوی اسرائیل با هدف تحت‌الشعاع قراردادن سیاست خارجی تنش‌زدایانه و تعامل‌گرایی دولت مسعود پزشکیان، به‌خصوص با غربی‌ها و اروپایی‌ها در جهت لغو تحریم‌هاست؛ سیاستی که می‌تواند نگرانی شدید اسرائیل را به دنبال داشته باشد و به دنبال این نگرانی، تل‌آویو با اقداماتی نظیر ترور، خرابکاری و... تهران را وارد کنش‌ها و واکنش‌های هیجانی و رادیکال کند تا دولت چهاردهم از تعامل و تنش‌زدایی دیپلماتیک دور شود. هرچند گفته می‌شود در یک سناریوی احتمالی، اسرائیل به دنبال تشدید تنش تا نقطه درگیری مستقیم ایران و آمریکاست؛ در صورت صحت این گزاره، باید پرسید دولت پزشکیان چه راهکاری برای عبور از بحران فعلی و در کل تقابل با سیاست ایران‌هراسی اسرائیل دارد. به نحوی که راهبرد تعامل با غرب دچار خدشه نشود؟ باسخ این پرسش، محورگفت‌وگویی با علی ماجدی است. البته در این گب‌وگفت با سفیر پیشین ایران در برزیل، ژاپن و آلمان، به بررسی دقیق‌تر تبعات تشدید سیاست ایران‌هراسی اسرائیل به موازات آغاز به کار دولت پزشکیان و در نگاهی کلان‌تر، وضعیت تهران در منطقه پرداخته‌ایم که در ادامه می‌خوانید.

جناب ماجدی با توجه به «زمان» ترور اسماعیل هنیه (همزمان با تحلیف مسعود پزشکیان) و «مکان» این ترور (در تهران، پایتخت ایران) به نظر می‌رسد شهادت رئیس دفتر سیاسی حماس بیشتر نوعی تلاش اسرائیل در جهت به چالش کشیدن سیاست خارجی دولت چهاردهم در راستای تنش‌زدایی با غرب باشد. حضرتعالی هم قائل به چنین تحلیلی هستید؟ به باور شما واقعا اسرائیل با این ترور سعی دارد تنش و جنگ در کل خاورمیانه به نقطه بدون بازگشت کشیده شود و به دنبال آن، سیاست خارجی اعلامی دولت پزشکیان به محاق برود؟

موضوع صرفا ترور اسماعیل هنیه همزمان با تحلیف مسعود پزشکیان در تهران نیست که اتفاق کاملا بی‌سابقه‌ای است. بلکه موضوع اینجاست که رژیم جنایتکار اسرائیل همواره در ادوار مختلف با سیاست و راهبرد ترور، خرابکاری و جنایت، به دنبال نوعی تنش، بحران‌آفرینی و پیش‌برد استراتژی ایران‌هراسی بوده است. بنابراین کاملا بدیهی است که اکنون هم ترور اسماعیل هنیه که به‌شدت محکوم است، عملا در ادامه همان سیاست‌های قبلی باشد؛ یعنی نتانیاهو سعی دارد تهران را به یک واکنش و عکس‌العمل رادیکال و هیجانی بکشاند تا به دنبال آن توجیه و بستر لازم در جهت شکل‌گیری جنگ گسترده و فراگیر در منطقه غرب آسیا فراهم شود.

یعنی اسرائیل با ترور هنیه و ذیل واکنش احتمالی تهران، به دنبال جنگ مستقیم با ایران است؟

اگرچه رژیم صهیونیستی بعد از نزدیک به ۱۰ ماه جنایت در نوار غزه وضعیت چندان مطلوبی از نظر سیاسی و اقتصادی ندارد، اما سعی می‌کند تنش با ایران وارد جنگ مستقیم شود؛ منتها با این هدف که به دنبال این جنگ، پای آمریکا هم به معرکه باز شود. درواقع اکنون نتانیاهو سعی دارد دامنه جنگ به قدری گسترده شود که در نهایت جنگ ایران و آمریکا به وجود آید. لذا این نکته تازه‌ای نیست و در موضوع ترور اسماعیل هنیه هم قطعا یکی از انگیزه‌های اسرائیل و شخص نتانیاهو همین جنگ ایران و آمریکاست که بالطبع یکی از تبعات آن، تحت‌الشعاع قراردادن سیاست خارجی دولت آقای پزشکیان خواهد بود. اما نکته مهم‌تری که نباید فراموش کنیم، این است که به نظر من در کنار آنچه به عنوان تلاش اسرائیل برای به‌بن‌بست کشاندن سیاست خارجی تنش‌زدایانه دولت چهاردهم مطرح است، نتانیاهو سعی کرده خودش و دیگری کابینه و رهبران حماس را هم به شهادت برساند که با ترور اسماعیل هنیه اکنون چهار شخصیت از شش شخصیت اصلی حماس به شهادت رسیده‌اند و اکنون فقط خالد مشعل و یحیی السنوار باقی مانده‌اند.

اکنون یکی از سؤالات کلیدی اینجاست که واکنش تهران چه خواهد بود؟ چون بدیهی است که اکنون توپ در زمین ایران است. آیا واقعا آن‌گونه که گفته شد به دنبال استراتژی نتانیاهو و اسرائیل، ما وارد یک واکنش تند خواهیم شد یا مانند اقدام ۲۵ فروردین پس از حمله اسرائیل به کنسولگری ایران در دمشق، می‌توان تنش را در منطقه خاکستری حفظ کرد؟

اینکه دولت در زمین ماست، کاملا بدیهی است و از مختصات و ویژگی‌های نظام و مقامات ایران است. اما ما هم نفوذ اطلاعاتی و امنیتی در اسرائیل داریم. کمالینکه در مواردی که فاش شد، دیدیم که نفوذ اطلاعاتی ایران تا منزل شخصی وزرای کابینه اسرائیل پیش رفته است. مثلا در یک مورد ما از وزیر انرژی اسرائیل اطلاعات کافی به دست آوردیم. در مورد دیگر به دنبال استخراج اطلاعات از بنتاگون بودیم. ببینید نفوذ ما تا کجا پیش رفته است که حتی خود آمریکایی‌ها معترف‌اند جمهوری اسلامی ایران به دنبال تاثیرگذاری بر انتخابات ریاست‌جمهوری ایالات متحده است. بسیاری از مواردِ دیگر وجود دارد که ذکرکردنی نیست و نمی‌توان آن را در گفت‌وگو با شما اعلام کرد. این اطلاعات نشان می‌دهد که ایران هم نفوذ اطلاعاتی و امنیتی خوبی را در اسرائیل و دیگر جاها دارد و قرار نیست که آن را علنی کنیم. اما در کل کفته‌های من پیرو سؤال شما به معنای نادیده‌گرفتن خطر نفوذ موساد در ایران نیست و حتی یک مورد ترور مانند ترور اسماعیل هنیه هم زیاد است و باید جلوی این نفوذ گرفته شود. به هر حال این مسئله نفوذ و نفوذی برای ما تازگی ندارد. از همان سال‌های ابتدایی انقلاب بحث نفوذی‌ها در دستگاه‌های اطلاعاتی و امنیتی وجود دارد. نمونه بارز آن مسعود کشمیری است که انفجار در دفتر نخست‌وزیری را رقم زد یا محمدرضا کلاهی که دفتر حزب جمهوری اسلامی را منفجر کرد و این مسئله کمائان در طول این سال‌ها به تناوب وجود داشته و خواهد داشت.

پس به باور شما اکنون جای نفذ و آسیب‌شناسی وجود ندارد؟

نه. منظور من این نیست که نفذی نشود. اما من معتقدم اکنون این میزان از انتقاد یا حمله به دستگاه‌های اطلاعاتی و امنیتی و دامن‌زدن به مسئله نفوذ در ایران از سوی موساد، پیوست همان ترور اسماعیل هنیه در تهران است که از طرف رسانه‌های معاند و همچنین منافقین در حال نشر و بازنشر است. باید افکار عمومی رسانه‌ها هوشیار باشند و از دامن‌زدن به ناامنی روانی جلوگیری کنیم.

اکنون سؤال مهم‌تر نظرِ به واکنش تهران است. آیا به باور شما باسخ تهران می‌تواند ما را از «منطقه خاکستری» تنش با اسرائیل وارد «منطقه قرمز» و جنگ تمام‌عیار کند؟

من در همان مصاحبه پیشین با شما و روزنامه «شرق» گفتم که تهران باید هوشمندی لازم را داشته باشد تا از مسئله ترور اسماعیل هنیه استفاده اینجاست که اسرائیل در حال کیان و همزمان با مسام تحلیف پزشکیان، رئیس دفتر سیاسی حماس را ترور کرده است و این متفاوت از حمله به ساختمان کنسولگری در سوریه بود. بنابراین ما باید یک واکنش «هموزن» نشان بدهیم.

و این واکنش هموزن از نگاه شما به چه معناست؟

ببینید. چون اکنون شما همراهی حمایت و همکاری نظامی، اطلاعاتی و امنیتی کشورهای غربی و به‌ویژه آمریکا از اسرائیل هستیم. باید واکنش هموزن ایران این بار با رعایت «اصل غافلگیری» همراه باشد. اما باید بپذیریم که این مسائل شما یک مسائل کاملا تخصصی است که باید میان نظام و مقامات اطلاعاتی، نظامی، دفاعی و امنیتی وجود دخوز و نفعو و شدت و وسعت آن باید بدهد. اما در این زمینه باید وضعیت منطقه و همچنین ارتباط‌گیری با کشورهای بیرامونی و درگیر را هم در نظر گرفت بنابراین من معتقدم که نباید دیراه حوزه شدت، کسترگی، نوع و میزان حمله واکنش ایران به اسرائیل شکل و سیاتانی را جریانات اسرائیل با هیجان و شعار دست به موضع‌گیری بزنند تا از این طریق بخواهند به دولت پزشکیان که در آغاز به کار خود قرار دارد، فشاری وارد کنند. چون قطعا این دست فشارها باعث ایجاد چندسنگی و فضای دوقطبی یا چندقطبی و تشدید اختلافات داخلی در آغاز به کار دولت خواهد شد و این کار در ادامه می‌تواند امنیت روانی و وحدت ملی را تهدید کند. این در حالی است که دولت آقای پزشکیان با شعار وفاق ملی و وحدت با همه جریان‌ها و گروه‌ها روی کار آمده است. پس باید به سران نظام و همچنین به دولت آقای پزشکیان در این زمینه اطمینان کنیم و همه جیز را به آنها بسپاریم. نباید با فضاسازی رسانه‌ای و شانتاژ سیاسی برای پزشکیان رکیداری کنیم. نباید با شعار برای آقای پزشکیان، شورای‌عالی امنیت ملی و نهادهای نظامی و اطلاعاتی امنیتی دستور کار تعریف کنیم و آنها را به سمت جنگ، تنش و نظائر آن تشویق کنیم. ما باید کار را به آنها بسپاریم. آنها بهتر از ما به زوایای امر و جزئیات اشراف دارند و بهتر می‌توانند تصمیم بگیرند. واقعا این کاری نیست که مربوط به کارشناسان، تحلیلگران و ناظران این حوزه باشد. باید خود مقامات که به این موضوع ورود مستقیم دارند و به آن اشراف کافی هم دارند، کار را به دست بگیرند. اینجاست که باید از اظهارنظرهای غیراصولی و سیاسی که ضد امنیت ملی و ضد منافع ملی است، پرهیز کرد. اینجا باید خود آقای دکتر پزشکیان و دیگر مقامات ذی‌ربط ابعاد قضایا را به‌خوبی بررسی کنند تا یک واکنش درست و باسخ متقابل به اسرائیل تبیین شود. کمالینکه در موضوع حمله اسرائیل به ساختمان کنسولگری ایران در سوریه یک باسخ متقابل اجرائی شد و عملا بازدارندگی تهران به موازات عدم وقوع حتی گسترده و مستقیم با اسرائیل پی گرفته شد.

اگر معتقدید باسخ قطعی تهران بازدارنده بود، چرا این بار اسرائیل با افراط‌گرائاست و در قلب تهران، رئیس دفترسیاسی حماس را همزمان با مراسم تحلیف پزشکیان ترور کرد؟ آیا این نشان نمی‌دهد که بازدارندگی لازم‌ترخ نداده است؟

اولا که چیزی درباره افراط‌گرائی اسائیل نیست. اما استاتوس جریان‌های تندرو، راهبرد و سیاست اسرائیل در همه مقاطع است. دوم اینکه بازدارندگی به معنای نگرانشدن آن اتفاق نیست. شما تصور کنید که اگر ما حمله کسترده و مستقیم موشکی و پهپادی از خاک ایران به سرزمین‌های اشغالی نداشتیم، مطمئن باشید تا نتیجه ما ور سرزمین صهیونیست به ترور اسماعیل هنیه اکتفا نمی‌کردند. البته همزمان یک نگاه و تحلیل خطرناک دیگر وجود دارد که می‌گوید «نباید ایران وارد تقابل با اسرائیل شود». این نگاه هم از آن نظر خطرناک است که باعث از دست رفتن توازن قوا و همچنین توازن تهدید خواهد شد. به هر حال فراموش نکنیم که اسرائیل حتی پیش از شکل‌گیری رژیم صهیونیستی به طولانی در تروز و حذف دارد. این رژیم حتی به کسانی که به دنبال تعامل با آنها بوده است، رحم نکرد. کمالینکه با سر غرفات را با وجود صلح کحب دیود، اسلو- با ترور بیولوژیکی حذف کرد و حتی احاق زیبر را هم به دست افراطی‌های صهیونیست تروردند. یعنی اینها به خودشان هم رحم نمی‌کنند.

عکس: سجاد نادعلی- شرق

شما و «شرق» و آن‌هم در شرایطی که شاهد التهاب و نگرانی بعد از ترور اسماعیل هنیه، پاسخ تهران و تحولات بعدی آن هستیم، کماکان معتقدم دولت آقای پزشکیان باید به موازات این تحولات دو موضوع اساسی را از طرف تیم کارشناسی و اعضای دولت خود پیش ببرد و خود را معطل تنش با اسرائیل نکند که یکی همان تعیین تکلیف لوایح باقی‌مانده اف‌ای‌تی‌اف است و اینجا باید تعامل بسیار سازنده، جدی و عملی با مجمع تشخیص مصلحت نظام برای تعیین تکلیف این لوایح انجام شود تا هرچه سریع‌تر ما از لیست سیاه کارگروه مالی اف‌ای‌تی‌اف خارج شویم. موضوع جدی‌تر دیگر موضوع لغو تحریم‌هاست. اجازه دهید روی این دو موضوع به شکل تفصیلی، نکات خودم را مطرح کنم و اگر سؤالی پیش آمد، بعدا بیرسید تا رشته کلام از دستم خارج نشود. ببینید قطعا دو موضوع «لغو تحریم‌ها» و «تعیین تکلیف لوایح باقی‌مانده اف‌ای‌تی‌اف» ربطی به همدیگر ندارد. چون اگر تحریم‌ها یا مذاکرات لغو شوند اما کماکان در لیست سیاه اف‌ای‌تی‌اف بمانیم، همچنان مناسبات بانکی و پولی و مالی ما با توقف و انسداد همراه خواهد بود و برعکس، اگر لوایح باقی‌مانده اف‌ای‌تی‌اف هم تعیین تکلیف شوند و از لیست سیاه خارج شویم، اما لغو تحریم‌ها انجام نشود، باز هم شرایط با شرایط مقبولی برای بهبود وضعیت اقتصادی و معیشتی و پیگیری مقوله کلیدی «دیپلماسی اقتصادی» نخواهد بود. بنابراین ما باید هر دو موضوع را به یک همزمان پیش ببریم. اگر ما یک عدد کارای برای دولت آقای پزشکیان درباره لغو تحریم‌ها و اف‌ای‌تی‌اف داریم، با همدیگر ارتقای «قدرت ملی» است. چون صرفا قدرت ملی و منافع ملی در توان موشکی، پهپادی، نظامی و منطقه‌ای نیست. ما باید توان دیپلماتیک و همچنین قدرت اقتصادی خود را هم ارتقا دهیم که می‌تواند پارامترهای جدی برای ارتقای قدرت ملی و منافع ملی باشد. ما اگر به دنبال افزایش جایگاه ایران در منطقه و جهان هستیم، باید این دو موضوع را به نتیجه برسانیم.

شما نگاه کنید، در چشم‌انداز چه عدد کارای‌ای شده بود؟! قرار بود در سال ۱۴۰۴، ما قدرت اول اقتصادی منطقه شویم. آیا شما کنون با این وضعیت داخلی می‌توانید در سال آینده به چنین هدفی دست پیدا کنید؟ اینجا چنین هدفی در دسترس نیست و اتفاقا وضعیت ما به‌مراتب بدتر از سال‌های گذشته است و اینجا باید کارشناسان و متخصصان امر بررسی کنند و ببینند چه دلایلی باعث شد که ما نتوانسته به قدرت اول در سال ۱۴۰۴ دست پیدا کنیم. باید با یک آسیب‌شناسی، موانع و عوامل بازدارنده در امسیر بررسی شوند. شما اکنون به تولید ناخالص داخلی و ترازتجاری کشورهای بیرامونی این نکته کنید و بررسی کنید که ایران اکنون چه جایگاهی در منطقه دارد. وضعیت ما در حفظ ارزش پول ملی و بازیابی پاسیورت به کجا رسیده است. طبیعتا ما با نقطه ایدئال بسیار فاصله داریم. اینجاست که من هشدار می‌دهم اگرچه واقعا دولت آقای ترور اسماعیل هنیه را بدهد و مکر وضعیت ملتهب و اماکن وقوع درگیری گسترده در منطقه خاورمیانه نیستم، اما باز هم تکرار می‌کنم که نمی‌توان در زمین اسرائیل بازی کرد. ما باید از همین روزهای اول دولت آقای پزشکیان با آسیب‌شناسی و درس‌گیری از گذشته به فکر ریل‌گذاری درست در چهار سال آینده باشیم. اگر تصور می‌کنیم اسرائیل دیگر با ما کاری ندارد، کاملا اشتباه فکر کرده‌ایم. وقتی ما یک عدد کارای می‌کنیم و برای خود متصوریم که تا سال ۱۴۰۴ باید به قدرت اول اقتصادی منطقه تبدیل شویم، دیگر نباید خواستی، کارشکنی و سناندارای دشمن، ما را از این هدف باز بدارد. اکنون هم نباید ترور اسماعیل هنیه یا دیگر سیاست‌های ایران‌هراسانه اسرائیل، ما را از هدف و افق خود برای دولت چهاردهم دور کند. ما در دولت پزشکیان سناردارد. بله، ما قدرت نظامی، پهپادی و نفوذ مستقیم داریم. اما چه باید کرد؟ ما باید این توان ارتقا پیدا کند. اما چه می‌شود که ما در حوزه دیپلماتیک، اقتصادی و تجاری نه‌تنها پیشرفت نداریم، بلکه عقبگرد داشته‌ایم؟!

وقتی صحبت از قدرت اقتصادی و دیپلماتیک بالایی داشته باشیم، به همان اندازه قدرت نظامی، پهپادی، دفاعی، موشکی و منطقه‌ای ما می‌تواند این بازی جمهوری اسلامی ایران توان بازدارندگی ایجاد کند. وقتی سهم ایران در تجارت جهانی و تولید ناخالص بین‌المللی به زیر یک درصد و حتی نیم‌درصد می‌رسد؛ وقتی ما با مشکلاتی مواجه‌ایم که نمی‌توانیم تجارت و دیپلماسی اقتصادی را به شکل جدی پی بگیریم و از همه مهم‌تر، وقتی ما با بحران‌ها و ابربحران‌های معیشتی در داخل مسئله ترور و خرابکاری و پاسخ به آن و همچنین جلوگیری از این دست اتفاقات به حوزه‌های امنیتی و دوباره هم یادآور می‌شوم که باید یک بازنگری در این زمینه انجام شود که شاهد تکرار خرابکاری و ترور نباشیم. اما قطعا نمی‌توانیم خود را معطل و درگیر حاشیه‌سازی و سیاست ایران‌هراسی و ترور اسرائیلی‌ها کنیم و باید راهبرد مذاکره با غرب را کنار بگذاریم. کمالینکه شما درست گفتید، در دولت روحانی هم، چنین راهبردی از طرف اسرائیل شکل گرفت تا اسرائیل بتواند این غرب و تهران به نتیجه نرسد. پس ما اگر می‌خواهیم سیاست‌های شوم اسرائیل و نتانیاهو با جر نخست‌وزیر غزه در اسرائیل را ایفا خنثی کنیم، باید تعامل به غرب، آغاز جدی مذاکرات و لغو تحریم‌ها را اجرائی کنیم تا وضعیت اقتصادی، تجاری و معیشتی مردم بهبود پیدا کند. چون این دیگ قطعه مقابل از چیزی است که اسرائیل می‌خواهد. اسرائیلی‌ها دقیقا سعی می‌کنند با تنش، ترور، جنگ و درگیری در منطقه و کشورهای بیرامونی سامی آمریکا به تقابل مستقیم با ایران، اساسا هرگونه رمینه برای مذاکره، تعامل، لغو تحریم و بهبود وضعیت معیشتی ایران به محاق برود. بنابراین می‌توان هم از یک سو با بازبینی و بازنگری در دستگاه‌های امنیتی و اطلاعاتی به فکر تقابل با سیاست ترور و خرابکاری اسرائیلی‌ها بود و از سوی دیگر، تعامل و تنش‌زدایی با غرب را همزمان کلید زد.

بر مقوله تفکیک موضوعات تاکید داشتید. اما نمی‌توان نافی درهم‌تنیدگی جدی و شدید موضوعات اطلاعاتی و امنیتی بر مقوله سیاست خارجی بود. هم‌اکنون که حضرتعالی هم عنوان کردید «دیپلماسی و سیاست خارجی یک مقوله کاملا پیچیده است که تمام پارامترهای سیاسی، امنیتی، اطلاعاتی، نظامی، دفاعی، اقتصادی، جنگ، صلح و... بر آن اثرگذار است». آیا سیاست ترور اسرائیل مزاحمتی برای سیاست تنش‌زدایی و تعامل دولت پزشکیان با غرب ایجاد نمی‌کند؟

بله. شاید سیاست ترور اسرائیل مزاحمتی برای سیاست تنش‌زدایی و تعامل دولت پزشکیان با غرب ایجاد کند که قطعا می‌کند. چون از اساس اسرائیل به دنبال ایجاد همیشه مزاحمت‌ها برای سیاست خارجی ایران است. اگر یه گذشته نکاه کنید؛ اتفاقا هر وقت یک دولت تعامل‌گرا، منعطف و دوستدار مذاکره در ایران روی کار آمده است، اسرائیل به‌شدت نگران شده و به دنبال ترور و خرابکاری با هدف ایجاد مزاحمت و کارشکنی و سناندارای در مسیر دولت مستقر در ایران بوده است. پس ممکن است که ترور و خرابکاری اسرائیل مزاحمت‌هایی برای دولت آقای پزشکیان در زمینه مذاکره و غرب ایجاد کند، کمالینکه در دولت روحانی مزاحمت‌های اسرائیل وجود داشت و کارشکنی‌هایی در زمینه مذاکره با اروپا و آمریکا در روش برخورد با راهبردهای تروریستی اسرائیل وجود نکرد.

تحلیل قبلی شما را قدری به چالش بکشم؛ چون به نظر می‌رسد قدری با واقعیت فاصله دارد؛ از این جهت که عنوان کردید دولت آقای پزشکیان باید از هم‌اکنون کام‌های عملی را برای تعامل با غرب بردارد و این بدون توجه به تحولات و حفظ ریتم تعامل با ترور اسماعیل هنیه خواهد بود. آیا اکنون که سایه جنگ در منطقه کشیده شده و همان‌طور که عنوان کردید اسرائیل به دنبال گسترش دامنه تنش در غرب آسیا تا نقطه تقابل مستقیم تهران- واشنگتن است، اساسا فضایی برای تعامل و تنش‌زدایی با غرب از طریق دولت چهاردهم وجود دارد؟

دیپلماسی و سیاست خارجی یک مقوله کاملا پیچیده است که تمام پارامترهای سیاسی، امنیتی، اطلاعاتی، نظامی، دفاعی، اقتصادی، جنگ، صلح و... بر آن اثرگذار است. بنابراین من قطعا منکر تحولات و تبعات ترور اسماعیل هنیه و واکنش تهران و تبعات بعدی آن بر سیاست خارجی دولت چهاردهم نخواهم بود. اتفاقا اگر به تحلیل قبلی من برگردید، گفتم که در همین مقطع و پیش از واکنش احتمالی تهران با پاسخ متقابل اسرائیل به آن و حمیت جای کار، در کوتاه‌مدت شاهد آثار مخرب ترور اسماعیل هنیه بر سیاست خارجی دولت آقای پزشکیان خواهیم بود. منتها اینجا موضوع اصلی آن است که نتانیاهو و اسرائیل از اساس با ترور هنیه، همزمان با تحلیف آقای پزشکیان و در تهران، سعی کرده است سیاست تعامل‌گرا و تنش‌زدایانه دولت چهاردهم با غرب را به یک کل متوقف کند و یا تاخیر مواجه کند. اینجاست که من معتقدم باید در زمین اسرائیل بازی کنیم. ما در عین پاسخ به ترور اسماعیل هنیه، سریع باید به سمت تعامل‌گرا و به جنگی شکل نگیرد و این هوشمندی توسط نظام کاملا می‌تواند پی گرفته شود. منتها به یک هنر نیاز دارد که به نظر من چنین هنری در سران نظام کشور وجود دارد.

در تحلیل شما کلی‌گویی وجود دارد. می‌توانید به شکل جزئی بگویید که ما چگونه باید در عین استفاده از حق پاسخ‌گویی به اسرائیل، سیاست تنش‌زدایانه با غرب را کلید بزنیم؟

همان‌گونه که قبلا گفتم، باید این مقوله‌ها را از هم جدا کنیم. موضوع ترور اسماعیل هنیه و حق پاسخ‌گویی ابتدا به ساکن جریان ما از دایره و حیطه اختیارات دولت خارج است و این در حوزه سران عالی نظام و مقامات امنیتی، دفاعی و اطلاعاتی خواهد بود. اما در کنار آن ما باید راهبردها و برنامه‌های خود را هم فراموش نکنیم. قرار نیست که ما طبق روایت نتانیاهو و اسرائیلی‌ها کام بدراییم. اگر این‌گونه باشد که نتانیاهو و تل‌آویو به هدف خود رسیده است. ما نباید درگیر حاشیه و جنگ بشویم. بلکه تا جایی که می‌توانیم، باید از همین روزهای اول دولت چهاردهم، برنامه‌ها را پی بگیریم و ما با دو موضوع اصلی مواجهیم که یکی از این دو مبحث، تعیین تکلیف لوایح اف‌ای‌تی‌اف است. ...

در این شرایط؟!

بله، در همین شرایط. اکنون ممکن است این نقد وجود داشته باشد که در وضعیت کنونی بعد از ترور اسماعیل هنیه واقعا این موضوع تا حد حق می‌تواند محل بحث باشد. اما اگر ما به این موضوعات ورود عملی نکنیم، اتفاقا در همان زمین مدنظر اسرائیل بازی کرده‌ایم. ما